



## شعر

### حبیب بن مظاهر

در بیشهٔ مردان خدا، شیر حبیب است  
 سر حلقهٔ مردان جوان، پیر حبیب است  
 آن مظهر ایمان و شرف، ابن مظاهر  
 و آن غیرت خون، صاحب شمشیر، حبیب است  
 در معرکهٔ عشق، عدو بند و ستم سوز  
 بازوی قضا، قدرت تقدیر، حبیب است  
 در همه‌مهمهٔ سرخ زمان، هم نفس خون  
 در کعبهٔ دل، نغمهٔ تکبیر، حبیب است  
 همجوش عطش، همدم خون، هم نفس عشق  
 محبوب خدا، دشمن تزویر، حبیب است  
 هنگام نماز آن سپر سینه که بشکست  
 و آن عزم رها در گذر تیر، حبیب است  
 قرآن خدا، شاهد مشهود که قرآن  
 تا هست به جا روح فراگیر، حبیب است  
 زد مهر خموشی به لبم «قاسمی» و گفت  
 حرفی که برون است ز تقریر، حبیب است

محمد حسین قاسمی

## خط خون

در فکر آن گودالم  
که خون تو را مکیده است  
هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم  
در حضيض هم می توان عزیز بود.  
از گودال بپرس!  
شمشیری که بر گلوی تو آمد،  
هر چیز و همه چیز را در کائنات  
به دو پاره کرد:  
هر چه در سوی تو، حسینی شد  
و دیگر سو، یزیدی.  
اینک ماییم و سنگ ها  
ماییم و آب ها، درختان، کوهساران، جویباران، بیشه زاران  
که برخی یزیدی  
و گرنه، حسینی اند  
خونی که از گلوی تو تراوید،  
همه چیز و هر چیز را در کائنات به دو پاره کرد در رنگ:  
اینک هر چیز، یا سرخ است یا حسینی نیست.<sup>۱</sup>

علی موسوی گرمارودی

۱. بخشی از شعر بلند «خط خون»

## رباعه‌ها

### کیمیای نجف

ای دل به کجا روی که جا در نجف است  
 فریاد رس هر دو سرا در نجف است  
 خواهی که مس قلب تو خالص گردد  
 خود را برسان که کیمیا در نجف است

### بوی کربلا

بر مشامم می رسد هر لحظه بوی کربلا  
 در دلم ترسم بماند آرزوی کربلا  
 تشنه آب فراتم، ای اجل مهلت بده  
 تا بگیرم در بغل، قبر شهید کربلا

### زمین کربلا

یک شب به زمین کربلا خوابیدم  
 در عالم خواب، این ندا بشنیدم  
 کای قافله سالار بیابان نجف!  
 صد ساله گناهان تو را بخشیدم

### کشته اشک

من وارث کل انبیایم ای خاک  
 من لاله سرخ کربلایم، ای خاک  
 گر منتظر کشته اشکی، ای طف  
 من کشته اشک و گریه‌هایم، ای خاک!

### ذبح عظم

آن روز که از کعبه جدا گشت حسین  
 خود کعبه اهل کبریا گشت حسین  
 چون خالق عشق، خواست یک ذبح عظیم  
 مذبح به تیغ اشقیا گشت حسین

### خون کربلا

پیکار، علیه ظالمان، پیشه ماست  
 جان در ره دوست دادن اندیشه ماست  
 هرگز ندهیم تن به دلت، هرگز  
 در خون زلال کربلا، ریشه ماست

### فرمان حسین علیه السلام

ما مرد نبردیم، چه برنا و چه پیر  
 در مکتب ما، مرگ حقیر است، حقیر  
 بر منبر نیزه، این چنین گفت حسین:  
 مردانه بجنگ یا دلیرانه بمیر

### تربت حسین علیه السلام

باز دلم کرده هوای حسین  
کاش شود جان به فدای حسین  
باز دلم واله و دیوانه شد  
در هوس کرب و بلای حسین  
عارف و عامی و سلاطین همه  
واله و ژولیده، گدای حسین  
غرق گناهیم همه مرد و زن  
هست امیدی به شفای حسین  
کیست رساند من دیوانه را  
بر در احسان و عطای حسین  
گریه کنم همچو سحاب بهار  
خون بفشانم به عزای حسین  
می رسد از کرب و بلا هر نفس  
بر دل من بانگ رسای حسین  
قسمت این بی سرو پا کی شود  
دیدن آن صحن و سرای حسین  
کعبه و معراج من و عرش من  
خاک ره و تربت پای حسین  
روز جزا کاش دمی بشنود  
گوش دلم باز صدای حسین

رنجبر گل محمدی

## کعبه وصل

این زمین پر بلا را نام، دشت کربلاست  
ای دل بی درد، آه آسمان سوزت کجاست؟  
این بیابان، قتلگاه سید لب تشنه است  
ای زبان وقت فغان، وی دیده هنگام بکاست  
این مکان بوده است روزی خیمه گاه اهل بیت  
کز حباب اشک ما امروز، گردش خیمه هاست  
اینک اینک قبه پر نور، کز نزدیک و دور  
پرتو گیتی فروزش، گمراهان را رهنماست  
اینک اینک حائر حضرت که در وی متصل  
زائران را شهپر روحانیان در زیر پاست  
اینک اینک خفته در خون، گلبن باغ بتول  
گز شکست او چو گل پیراهن حورا قباست  
این سرا فراز بلند اختر که در خون خفته است  
نایب شاه ولایت، تاج فرق اولیاست  
پا در این مشهد به حرمت نه که فرش انورش  
لاله رنگ از خون فرق نور چشم مرتضاست  
ای دل این جا کعبه وصل است، بگشا چشم جان  
کز صفا هر خشت این، آیینه گیتی نماست  
رتبه این بارگه بنگر که زیر قبه اش  
کافر صد ساله را چشم اجابت از دعاست  
یا ابا عبدالله اینک تشنه ابر کرم  
از پی یک قطره پویان بر لب بحر سخاست  
مدتی شد کز وطن بهر تو دل برکنده است  
وز ره دور و درازش، رو در این دولت سراست  
چون غبار آلوده دشت کربلا گردیده است  
گرد عصیان گر زن دامانش بیفشانی، رواست

## یا ثارالله

عقل، مات است ز ایثار تو، یا ثار الله  
عشق حیران شده در کارتو، یا ثارالله  
عالمی باد فدای تو که یک عالم دل  
از ازل هست گرفتار تو، یا ثار الله  
واژه مهر و وفا گشت چه زیبا تفسیر  
از فداکاری انصار تو، یا ثار الله  
هر کجا نهضت بیداد ستیزی رخ داد  
بود پرورده افکار تو، یا ثار الله  
باش ازاده، گرت مذهب و آیینی نیست  
هست این جمله ز گفتار تو، یا ثار الله  
شرع پاک نبی از آفت تحریف مصون  
ماند از نهضت خونبار تو، یا ثار الله  
پرچم عز و شرف زد به فراز ملکوت  
صف شکن میر علمدار تو، یا ثار الله  
چه شود گر دم مردن به من از لطف دهند  
جرعه ای از خم سرشار تو، یار ثار الله

حاج محمد اخوان سرشار

## عطش

خوشا عشق تو را بر دل نشاندن  
به یادت نم نم اشکی فشاندن  
خوشا چون نی، به سوزی نینوایی  
نوایی بر کشیدن، کربلایی

نیستانی سراسر نالیه باید  
که بغض بسته دل را گساید  
نوای آتشینی دارد این نی  
صدای دل نشینی دارد این نی  
من و عشق و نوای بی نوایی  
دلی سوزان و درد کربلایی  
به یاد زخم گل‌های سپیده  
که هر سو پیرهن بر تن دریده  
هلا ای اشک‌های گرم و جوشان  
به یاد قامت آن سبز پوشان  
خدا را لحظه ای غافل نمائید  
به زخم لاله‌ها آبی فشایند  
عطشناک است این جا دود و صحرا  
گلی مانده میان این دو بر جا  
گلی محبوب و شیدا و عطشناک  
میان کشتگان خفته بر خاک  
عطش این جا زبان فهم عشق است  
لب تشنه بیان فهم عشق است  
عطش این جا تمنای نجات است  
که ساقی، قاسم آب حیات است  
زمین کربلا ماوای راز است  
که درد عاشقان را چاره ساز است  
بیا ای دل‌دمی دیگر بنالیم  
به یاد لاله پرپر بنالیم

اسد الله برومندی